

آیا امام حسن ع مطلق بود

<?xml encoding="UTF-8">

آیا امام حسن مجتبی(ع) "مطلق" بود؟

تأملی در احادیث کثرت طلاق

مهدی مهریزی 28 صفر، سالروز شهادت حضرت امام حسن مجتبی(ع) میباید. به شهادت رساندن حضرت(ع) ظلم بزرگی بود که بر وی و بر جامعه اسلامی رفت ولی خدشه دار نمودن شخصیت آن بزرگوار، ستم تاریخی مضاعفی است که در حق آن پیشوای راستین روا داشته شده است. آنچه میخوانید نقدی کوتاه بر بخشی از این ستم تاریخی است که به بهانه ایام شهادت آن بزرگوار تقدیم میشود.

یکی از آفتهای بزرگ و ویرانگری که در تاریخ اسلام بروز کرد و در دورههایی شیوع و رواج بسیار داشته، جَعْل و وضع حدیث است. ساختن حدیث و انتساب آن به پیشوایان دینی به انگیزه‌های سیاسی، مذهبی و ... از دوران حکومت بنیامیه، نضج گرفت و در دوران بنیعباس دوام یافت.

جعل و وضع، گاه برای پیراستن شخصیت‌های منفور و آلوده حاکم اموی و عباسی صورت میپذیرفت و گاه برای تخریب و ضربه زدن به شخصیت‌های برجسته.

امام حسن مجتبی(ع)، سبط اکبر پیامبر(ص) و دومین امام معصوم، از شخصیت‌هایی است که تیر مسموم وضع و جعل آن بزرگوار را نشانه رفته و نسبت‌های ناروایی در قالب حدیث و روایت به وی داده شده است. روایت‌هایی از امامان شیعه نقل شده که ایشان، بسیار زن می‌گرفت و بسیار طلاق میداد تا آنجا که پدرش حضرت علی(ع) بر منبر رفت و مردم کوفه را از این امر بر حذر داشت. این روایت‌ها که مبنای تحلیلهای نادرستی پیرامون شخصیت آن بزرگوار قرار گرفته، زمینه برداشتهای فقهی قابل تأملی نیز شده است. برخی فقها و محدثان بر پایه همین احادیث، فتوا به جواز تعدد طلاق داده‌اند.(1)

در این مقال، تلاش میشود روایت‌هایی که امام مجتبی(ع) را "مطلق" (بسیار طلاق دهنده) معرفی کرده مورد نقد قرار گرفته و بیمایگی و سستی آنها بر ملا گردد.

مع‌الاسف، این روایت‌ها هم در منابع حدیثی و تاریخی شیعی آمده و هم در کتب تاریخ اهل سنت. نخست به نقل‌های مختلف این مطلب اشاره میشود و سپس به پاسخگویی و نقادی آن میپردازیم. در نقل روایت‌ها ترتیب تاریخی و زمانی کتب را منظور میداریم تا نقد به سهولت انجام شود.

1- اولین کتاب حدیثی شیعه که این مطلب در آن نقل شده کتاب محاسن برقی، نوشته احمد بن ابی عبدالله برقی(م274 یا 282ق) است:

عن ابن محبوب عن أبي عبد الله(ع) قال: اتي رجل امير المؤمنين(ع) فقال له: جئتک مستشیرا. ان الحسن و الحسين و عبدالله بن جعفر خطبوا اليّ، فقال امير المؤمنين(ع): المستشار مؤتمن؛ اما الحسن فانه مطلق و لکن زوجها الحسين(ع) فانه خير لابنتک.

مردی نزد امیرالمؤمنین(ع) آمد و گفت: میخواهم مشورت کنم. حسن و حسین و عبدالله بن جعفر از دخترم خواستگاری کرده‌اند [به کدام دختر دهم؟] حضرت فرمود: کسی که مورد مشورت قرار گیرد؛ امین است. بدان حسن، بسیار طلاق میدهد. دختری را به حسین تزویج کن زیرا برای دختری بهتر است.

2- پس از محاسن، روایت‌هایی در این زمینه در کتاب کافی نوشته محمد بن یعقوب کلینی(م329ق) نقل شده

است.

(الف) عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد عن محمد بن اسماعيل بن بزيغ عن جعفر بن بشير عن يحيى بن ابي العلاء عن ابي عبد الله (ع) قال: ان الحسن بن علي (ع) طلق خمسين امرأة فقام علي (ع) بالكوفة فقال: يا معشر اهل الكوفة لا تنكحوا الحسن فانه رجل مطلق، فقام اليه رجل فقال: بلي والله لننكحته فانه ابن رسول الله (ص) و ابن فاطمة فان اعجبه امسك و ان كره طلق. (2)

امام صادق (ع) فرمود: حسن بن علي پنجاه زن را طلاق داد. تا آنکه حضرت علي (ع) در کوفه به پا خاست و فرمود: اي کوفيان، به حسن دختر ندهيد زيرا بسيار طلاق ميدهد. مردی بر پا خاست و گفت: به خدا سوگند، چنين ميکنيم. او فرزند رسول خدا (ص) و فاطمه است، اگر خواست همسرش را نگه ميدارد و اگر نخواست طلاق ميدهد.

(ب) حميد بن زياد عن الحسن بن محمد بن سماعة عن محمد بن زياد بن عيسي عن عبد الله بن سنان عن ابي عبد الله (ع) قال: ان عليا (ع) قال و هو علي المنبر لا تزوجوا الحسن فانه رجل مطلق. فقام رجل من همدان فقال: بلي والله لنزوجه و هو ابن رسول الله و ابن امير المؤمنين (ع) فان شاء امسك و ان شاء طلق. (3)

امام صادق (ع) فرمود: علي (ع) بر منبر فرمود: به حسن دختر ندهيد زيرا او مردی پر طلاق است. مردی همداني بلند شد و گفت: به خدا سوگند چنين خواهيم کرد زيرا او فرزند رسول خدا و امير المؤمنين است. اگر خواست همسر را نگه دارد و اگر نخواست طلاق ميدهد.

3- پس از کافي، اين مضمون در کتاب دعائم الاسلام، نوشته نعمان بن محمد تميمي قمي (م 363 ق) آمده است: عن ابي جعفر محمد بن علي (ع) انه قال: قال علي (ع) لاهل الكوفة: يا اهل الكوفة لا تزوجوا حسنا فانه رجل مطلق. (4)

امام باقر (ع) فرمود: علي (ع)، کوفيان را مخاطب ساخت و فرمود: به حسن زن مدهيد زيرا که بسيار طلاق ميدهد. پس از اين سه کتاب، کتب روايي ديگر با همين اسناد به نقل

* امام حسن مجتبي (ع)، سبط اکبر پيامبر (ص) و دومين امام معصوم، از شخصيتهايي است که تير مسموم وضع و جعل آن بزرگوار را نشانه رفته و نسبتهاي ناروايي در قالب حديث و روايت به وي داده شده است. اين احاديث پرداخته اند.

شيخ حرّ عاملي (م 1104 ق) در کتاب وسائل الشيعه، دو روايت کافي (5) و روايت کتاب محاسن (6) را نقل کرده است. پس از وي، علامه مجلسي در کتاب بحار الانوار به نقل اين احاديث پرداخته است. وي روايت محاسن (7) و کافي (8) را نقل کرده و به جز آن از مناقب ابن شهر آشوب (9) نيز همين مضامين را روايت کرده است. همچنين محدث نوري، در کتاب مستدرک الوسائل، روايت کتاب دعائم الاسلام (10) و مطلب نقل شده در مناقب ابن شهر آشوب (11) را روايت کرده است.

به جز کتب حديث، در پاره اي از کتب تاريخي که شيعةان تحرير کرده اند نيز اين مطلب بازگو شده است. ابن شهر آشوب (م 588 ق) در کتاب مناقب از قوت القلوب ابوطالب مكي، آن را روايت کرده است.

اين مضامين در کتب حديثي اهل سنت ديده نشد اما در تعدادي از کتب تاريخي آنان روايت شده؛ که فهرست وار بدان اشاره ميشود:

1- بلاذري (م 279 ق) در انساب الاشراف (12)

2- ابوطالب مكي (م 386 ق) در قوت القلوب (13)

3- ابو حامد غزالي (م 505ق) در احیاء العلوم (14)

4- ابن ابی‌الحدید معتزلی (م 586 - 655ق) در شرح نهج البلاغه (15)

5- الامام المزدی (م 742ق) در تهذیب الکمال (16)

6- ذهبی (م 748ق) در سیر اعلام النبلاء (17)

7- ابن کثیر (م 774ق) در البداية و النهاية (18)

* اگر اولین ازدواج حضرت در 20 سالگی باشد، تا سال شهادت پدر یعنی سال 40 هجری، یعنی در فاصله 18 یا 17 سال، باید این تعداد ازدواج و طلاق صورت گرفته باشد که امری نامعقول است.

8- میر خواندشاه (م 838 - 903ق) در روضة الصفا (19)

9- سیوطی (م 911ق) در تاریخ الخلفاء (20)

در این مجموعه نقلها و اسناد، یک مطلب دست به دست گشته و آن اینکه امام مجتبی (ع) مطلق (پرطلاق) بود و پدر بزرگوارش مردم را از همسر دادن به فرزندش باز میداشت. چرا که وی، زنان را نگه نمیداشت و به سرعت طلاق میداد. و در پاره‌ای نقلها چنین آمده که حضرت علی (ع) از این عمل فرزندش هراس داشت که شاید سبب دشمنی و کینه قبایل را هم فراهم آورد. (21)

حال، سخن این است که آیا این نقلها از صحت و سلامت تاریخی برخوردار است و آیا چنین بوده که امام

مجتبی (ع) این حد، ازدواج میکرد و طلاق میداد که یک بحران خانوادگی را برای آل علی (ع) سبب شود؟

به نظر میرسد شواهد تاریخی، عقیدتی فراوان در دست است که نادرستی این نقل را روشن میسازد و بهترین راه برای نقد نیز همین است. اینکه برخی پژوهشگران به جای نقد این مطلب به نقد نویسندگان و کتب پرداخته‌اند و محاسن برقی، قوت القلوب و ... را زیر سؤال برده‌اند (22)، شاید قرین صحت نباشد، چرا در همین کتب و از همین نویسندگان، مطالب فراوان و درستی نقل شده و مورد اعتماد و استناد است. به سخن دیگر، به جای آنکه نادرستی یک یا چند نقل به اثبات رسد روا نیست، یک کتاب یا یک مجموعه از رده خارج گردد.

شواهدی که به گمان ما بر نادرستی این نقلها دلالت دارد عبارت است از: یک. امام مجتبی (ع) در نیمه رمضان سال دوم یا سوم هجری به دنیا آمد و در 28 صفر سال 49 هجری از دنیا رفت. عمر ایشان 46 یا 47 بیشتر نبود. اگر اولین ازدواج حضرت در 20 سالگی باشد، تا سال شهادت پدر یعنی سال 40 هجری، یعنی در فاصله 18 یا 17 سال، باید این تعداد ازدواج و طلاق صورت گرفته باشد که امری نامعقول است.

توضیح مطلب، آن است که طبق نقل ابوطالب مکی امام مجتبی 250 یا 300 زن گرفت که پدر را به ستوه آورد و علی (ع) در یک سخنرانی اعلام داشت به حسن زن ندهید زیرا پرطلاق است. (23) این بدان معنا است که هر ماه، بیش از یک زن گرفته باشد و بسیاری از آن ازدواجها به طلاق منجر شده باشد، زیرا نمیتوان بیش از چهار زن دائم داشت.

آیا چنین امری معقول و پذیرفته است. با توجه به اینکه آن حضرت در دوران پنج ساله حکومت پدر در تمامی سه جنگ نهروان، جمل و صفین شرکت داشت.

دو. بیشتر روایتهایی که در کتب حدیث آمده منقول از امام صادق (ع) است، یعنی این مطلب یک قرن پس از زمان امام مجتبی (ع) مطرح میشود چرا که وفات امام صادق (ع) در سال 148 هجری و شهادت امام مجتبی (ع) در سال 48 هجری رخ داد. قابل تأمل است که این سخن در همان اوان، بر زبان منصور دوانیقی دشمن سرسخت ائمه (ع)، جاری میشود. مسعودی، سخنرانی منصور را در جمع خراسانیها چنین نقل کرده است:

ان ولد آل ابیطالب تركناهم و الذي لا اله الا هو و الخلافة فلم نعرض لهم لا بقليل و لا بكثير فقام فيها علي بن ابیطالب (ع) فما افلح و حكم الحكمين، فاختلف عليه الامة و افترقت الكلمة ثم وثب عليه شيعة و انصاره و ثقاته، فقتلوه، ثم قام بعده الحسن بن علي فوالله ما كان برجل عرضت عليه الاموال فقبلها، و دس اليه معاوية اني اجعلك ولي عهدي، فخلعه، و انسلخ له مما كان فيه و سلّمه اليه، و اقبل علي النساء يتزوج اليوم واحدة، و يطلق غدا اخري، فلم يزل كذلك حتي مات علي فراشه. (24)

"سوگند به خداوند که فرزندان ابوطالب را با خلافت و نهادیم، و به هیچ روي متعرض آنان نشده ایم، تا آنکه علي بن ابیطالب خلافت را به دست گرفته و آن زمان که موفق نشد در حکومت، تن به حکمیت داد. مردم اختلاف کردند و سخنشان گوناگون شد تا گروهی بر او هجوم آورده و او را کشتند. پس از وی، حسن بن علي به پا خاست. او مردی نبود که اگر اموالی بر او عرضه میشد، بستاند. معاویه با حيله او را ولیعهد خود کرد. و سپس او را خلع کرد. او به زنان رو آورد. روزی نبود که ازدواج نکند یا طلاق ندهد. تا آنکه در بستر از دنیا رفت".

سه. اگر چنین امری واقع شده بود باید دشمنان حضرت در زمان حیاتش، این امر را بر ایشان خُرده می گرفتند و در مناظرات و اعتراضهایی که بر حضرت داشتند بر این نکته - که اگر صحیح بود نقطه ضعف بزرگی به شمار میرفت - انگشت می گذاشتند. ولی چنین امری از آن دوران، گزارش نشده است.

چهار. تعداد همسران و فرزندان و دامادانی که برای حضرت در کتب تاریخ آمده، با این رقمها سازگاری ندارد. بیشترین تعداد فرزندان را 22 و کمترین را 12 گفته اند و تنها 13 نام به عنوان همسر، برای ایشان ذکر شده که ترجمه و شرح حال بیش از سه تن آنان در دست نیست و نیز بیش از سه داماد برای آن بزرگوار در کتب تاریخ، گزارش نشده است. (25)

اینها شواهدی تاریخی بود که بر سستی این نقلها گواهی میداد، به جز آن شواهد غیر تاریخی که به معارف دینی برمیگردد، نیز در دست است که بدان اشاره میشود.

پنج. روایتهای بسیاری بر مبعوضیت طلاق دلالت دارد. این روایتها در کتب حدیث شیعه و اهل سنت به نحو مکرر، نقل شده است:

رسول خدا (ص) فرمود: ابغض الحلال الي الله الطلاق. (26)

منفورترین حلالها نزد خداوند، طلاق است.

* اگر چنین امری واقع شده بود باید دشمنان حضرت در زمان حیاتش، این امر را بر ایشان خُرده می گرفتند و در مناظرات و اعتراضهایی که بر حضرت داشتند بر این نکته انگشت می گذاشتند.

امام صادق (ع) فرمود: تزوّجوا و لا تطلقوا فان الطلاق يهتّر منه العرش. (27)

ازدواج کنید و طلاق ندهید زیرا طلاق عرش خداوند را به لرزه می آورد.

و نیز امام صادق (ع)، از پدرشان نقل میکند: ان الله عز و جل يبغض كل مطلق و ذوّاق. (28)

خداوند کسی را که بسیار طلاق دهد و به دنبال تنوع ذائقه جنسی باشد، دشمن میدارد.

و بر پایه همین روایات، گروهی از فقهای شیعه و اهل سنت فتوا به کراهت طلاق در صورت سازگاری اخلاقی زن و شوهر داده اند. (29) و فقهای حنفیه در چنین فرضی طلاق را حرام میدانند. (30)

حال آیا میتوان گفت امامی معصوم به طور مکرر دست به چنین عملی زند و این عمل، توجیهی نداشته باشد که پدرش هم اقدام به جلوگیری از آن نماید.

و بر اینها بیفزاییم چگونه ممکن است چنین اعمالی از شخصیتی که 20 بار پیاده حج گذارد سر زند. کسی که

چنین با خداوند نیایش میکرد:

"اني لأستحيي من ربي ان القاه و لم امش الي بيته" فمشي عشرين مرة من المدينة علي رجله. (31)
من از پروردگارم حیا میکنم که او را ملاقات کنم در حالی که پیاده به سوی خانه او نرفته باشم. این بود که 20 بار پیاده از مدینه به حج رفت.

و کسی که عابدترین و زاهدترین انسان زمانش بود. (32)

شش. صفت "مطلق" (پرطلاق)، در جاهلیت نیز مذموم بود. وقتی خدیجه (س) به عمویش ورقه، از خواستگاران شش سخن گفت و با وی مشورت کرد که به کدام پاسخ مثبت دهد، ورقه جواب داد: شبیه بسیار بدبین است، عقبه پیرمرد است، ابوجهل مردی متکبر و بخیل است، صلت مردی مطلق است. آنگاه خدیجه (س) گفت: نفرین خدا بر اینها باد، ولی آیا میدانی مرد دیگری هم از من خواستگاری کرده است چگونه خصلتی که در جاهلیت مورد ذم و سرزنش بود و مردمان آن دوره حاضر نبودند به چنین مردی زن دهند، آن وقت حضرت علی (ع) فرزند زاهد و پارسای خود را چنین وصف کرده باشد؟! لذا با توجه به این نقدهای ششگانه نمیتوان این مضامین را پذیرفت.

خلاصه سخن در این نوشتار این شد که: 1- روایتهایی در منابع حدیثی و تاریخی دلالت دارد که امام حسن مجتبی (ع) بسیار ازدواج میکرد و بسیار زنان را طلاق میداد تا آنجا که سبب اعتراض پدر شد.

2- بر پایه این روایتهای تحلیلهای تاریخی و استنباطهای فقهی، صورت گرفته است.

3- شواهد تاریخی و عقیدتی بر نادرست بودن این روایتهای دلالت دارد که به شش مورد اشاره شد.

4- از این روایتهای به جهت سستی و نادرستی، نمیتوان هیچ حکم فقهی را استنباط کرد، چنان که تحلیل شخصیت بر مبنای اینها نادرست است.

5- طلاق، مبعوضترین حلال خداوند است و تکرار آن بر مبعوضیت و منفوریت آن میافزاید. (33)

پاورقیها: 1- وسائل الشیعة، ج 15، ص 271؛ مستدرک الوسائل، ج 15، ص 282.

2- الکافی، ج 6، ص 56، ح 5.

3- همان، ص 56، ح 4.

4- دعائم الاسلام، ج 2، ص 257، ح 980.

5- وسائل الشیعة، ج 15، ص 268، ب 2، ح 2 و ص 271، ب 4، ح 1 و 2.

6- همان، ج 8، ص 427، ب 23، ح 1؛ ج 15، ص 268، ب 2، ح 1.

7- بحارالانوار، ج 43، ص 337، ب 16، ح 9؛ ج 75، ص 101، ب 48، ح 22.

8- همان، ج 44، ص 172، ح 6 و 7.

9- همان، ص 158، ح 27 و ص 169، ح 4، و ص 171، ح 5.

10- مستدرک الوسائل، ج 15، ص 280، ب 2، ح 18238. (چاپ آل البيت)

11- همان، ح 18239.

12- انساب الاشراف، ج 3، ص 25.

13- قوت القلوب، ج 2، ص 246.

14- محجة البیضا، ج 3، ص 69.

- 15- شرح نهج البلاغه، ج4، ص8. (چهار جلدي)
- 16- تهذيب الكمال، ج6، ص236.
- 17- سير اعلام النبلاء، ج3، ص253، 262 و 267.
- 18- البداية و النهاية، ج8، ص42.
- 19- روضة الصفا، ج3، ص20.
- 20- تاريخ الخلفاء، ص191.
- 21- انساب الاشراف، ج3، ص25؛ شرح نهج البلاغه، ج4، ص8.
- 22- حياة الامام الحسن، ج2، ص454 - 456؛ حقايق پنهان، ص352 - 354.
- 23- مناقب ابن شهر آشوب، ج4، ص38؛ بحار الانوار، ج44، ص169.
- 24- مروج الذهب، ج3، ص300.
- 25- حياة الامام الحسن(ع)، ج2، ص463 - 469 و ص457.
- 26- سنن ابیداود، ج2، ص632، ج2178.
- 27- وسائل الشيعة، ج15، ص268؛ مكارم الاخلاق، ص225؛ مجمع البيان، ج10، ص304.
- 28- همان، ص267، ج3.
- 29- المبسوط، ج5، ص3؛ مفاتيح الشرايع، ج2، ص312؛ جواهر الكلام، ج32، ص116؛ الفقه علي المذاهب الاربعة، ج4، ص296.
- 30- الفقه علي المذاهب الاربعة، ج4، ص296.
- 31- بحار الانوار، ج43، ص399.
- 32- فرايد السمطين، ج2، ص68؛ بحار الانوار، ج16، ص60.
- 33- در پايان، مناسب است فهرستي از نوشته هايي كه به تحليل و ارزيابي اين مسأله پرداخته، ارايه گردد: حياة الامام الحسن(ع)، باقر شريف القرشي، ج2، ص457 - 472. (دار الكتب العلمية) نظام حقوق زن در اسلام، شهيد مطهري، ص306 - 309. (انتشارات صدرا) زندگي امام حسن(ع)، مهدي پيشوايي، ص31 - 39. (انتشارات نسل جوان) الامام المجتبي(ع)، حسن المصطفوي، ص228 - 234. (مكتب المصطفوي)
- از گوشه و كنار تاريخ، سيدعلي شفيعي، ص88. (كتابخانه صدر) زندگاني امام مجتبي(ع)، سيدهاشم رسولي محلاتي، ص469 - 484. (دفتر نشر فرهنگ اسلامي) حقايق پنهان، احمد زماني، ص331 - 354. (انتشارات دفتر تبليغات اسلامي) * چگونه خصلتي كه در جاهليت مورد ذم و سرزنش بود و مردمان آن دوره حاضر نبودند به چنين مردي زن دهند، آن وقت حضرت علي(ع) فرزند زاهد و پارساي خود را چنين وصف کرده باشد؟!